

جایگاه مادری از منظر شهید مطهری در مقایسه با فمینیسم

مرضیه افضلی^۱ علی انتظاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۰۴

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست سوم، شماره ۸۶، بهار ۱۳۹۹

چکیده

مادری از مفاهیم اساسی در گفتمان فمینیستی است که سیمون دوبووار نیز به آن توجه ویژه‌ای داشته است. پس از رواج اندیشه‌های فمینیستی در ایران شهید مطهری به‌عنوان یک اندیشمند اجتماعی در مواجهه با نظریه‌هایی که اختصاص مادری به زنان را نفی می‌کرد به بیان وجوه مادری از منظر اسلام پرداخت. این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی آثار سیمون دوبووار و استاد مطهری را بررسی و مقایسه کرده است تا به این سؤال پاسخ دهد که سیمون دوبووار برای نفی مادری به چه عواملی استناد می‌کند و استاد مطهری به مسائل مطرح‌شده توسط دوبووار چگونه پاسخ داده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی آثار سیمون دوبووار و استاد مطهری را بررسی و مقایسه کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شهید مطهری مادر را جامعه‌ساز تعریف می‌کند زیرا فعالیت مادر به صلاح یا فساد جامعه منتهی می‌شود. پیامد مادری برای زنان در سطح فردی هویت بخشی و در سطح اجتماعی منزلت بخشی به آن‌ها است. از منظر شهید مطهری پیامدهای فردی و اجتماعی به همراه لذت درونی که مادر هنگام ایفای نقش مادری احساس می‌کند رضایت او از مادری را ایجاد می‌کند. برخلاف او سیمون دوبووار مادری را قربانی شدن برای نوع تعریف می‌کند که در سطح فردی از خودبیگانگی و در سطح اجتماعی فرودستی زنان را به دنبال دارد و موجب نارضایتی آن‌ها از قرار گرفتن در پایگاه مادری است.

واژگان کلیدی:

مادری، آثار فردی مادری، آثار اجتماعی مادری، فمینیسم، شهید مطهری.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m.afzali@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

مقدمه موضوع

مادری برای بشر در طول تاریخ مفهومی مقدس بوده است و مادر مظهر محبت و فداکاری شناخته می‌شده است. ادیان نیز در تقدس بخشی به مادری نقش برجسته‌ای داشته‌اند در اسلام بهشت زیر پای مادران توصیف شده است و در مسیحیت مریم مقدس سمبل مادر امت شناخته می‌شود. (Pernau, 2003) در دوران مدرن جایگاه مادری توسط عوامل گوناگون از جمله گفتمان فمینیستی به چالش کشیده است. نظریه پردازان فمینیست به دنبال رها ساختن زنان از وضعیتی بودند که آن‌ها را محدود می‌کرد از این رو ابعاد مختلف زندگی آن‌ها را مورد بررسی قرار دادند تا عوامل انقیاد زنان را بیابند. مادری به دلیل وابسته کردن فرزند از مهم‌ترین این عوامل بود و به موضوعی تبدیل شد که بخش زیادی از متون فمینیستی پیرامون آن تولید شد. راهکار اغلب نظریه پردازان فمینیسم محو و محدود شدن مادری بود و به جای آن زنان به فعالیت اقتصادی ترغیب شدند.

ضرورت موضوع

با ترویج گفتمان مدرنیزاسیون در ایران جامعه ایرانی در معرض اندیشه‌های فمینیستی قرار گرفت و شبهات و سؤالات بسیاری در موضوع زنان مطرح شد. در مقابل این جریان حرکت‌هایی درون گفتمان دینی ایجاد شد که استاد مطهری یکی از برجسته‌ترین نمایندگان آن است. او فیلسوفی اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناسانه (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۳۹۲) و یک دانشمند دینی با دغدغه اصلاح‌گری اجتماعی بود که در گزینش مسئله دینی به ضرورت‌های اجتماعی توجه ویژه داشت (قرا ملکی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). استاد مطهری که با ویژگی بارز جامعیت در عین ژرف‌نگری در جهت پاسخ به مسائل اجتماعی اخلاقی و فلسفی جامعه تلاش می‌کرد (علی‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۶۶)، گفتمانی ایجاد کرد که واقعیت‌های اجتماعی ایرانی را به خدمت گرفته و تصویری قابل قبول از تفاوت‌های جامعه اسلامی با غرب برای بازتعریف مرزهای هویتی ایجاد کند؛ تصویری که کارکرد اصلی آن ایجاد یک دیوار آهنین هویتی در مقابل حضور و نفوذ بیگانگان در جامعه ایرانی بود (ادیبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹). استاد مطهری ضرورت پرداختن به مسئله زن و روشن کردن ابعاد آن را دریافته بود و تولید اثر با موضوع زن را فرصتی مغتنم می‌دانست تا گوشه‌ای از فلسفه اجتماعی اسلام را برای جوانان آشکار کند (مطهری، ۱۳۸۳)؛ او مسئله زنان را آن‌گونه که از سوی اکثر روشنفکران آن روزگار مطرح می‌شد ابزاری برای نفی اسلام می‌دانست و معتقد بود «گذشته از انحرافات علمی فراوانی که در زمینه حجاب به وجود آمده این مسئله و سایر مسائل مربوط به زن وسیله‌ای



شده در دست یک عده افراد ناپاک و مزدورصفت که از این پایگاه علیه دین مقدس اسلام جاروجنجال تبلیغاتی راه بیندازند» (مطهری، ۱۳۶۵: ۷). واکنش استاد مطهری نگارش مقاله‌هایی است در مجلاتی که چندان خوش‌نام نبودند مانند زن روز و نقد و بررسی فیلم‌های سینمایی است که در چنین فضایی ساخته می‌شدند (ساداتی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۳)؛ او پاسخ به انتقادات وارد شده به اسلام را در حوزه زنان در وضعیتی انجام می‌داد که بعضی از دوستانش نگارش مقاله در مجله زن روز را دون شأن استاد می‌دانستند (پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۹۸). از نظر استاد، اسلام با تعالیم آسمانی خود احیاگر حقوق زن است و گام‌های بلند و اساسی را به سود زن و حقوق او برداشته است (شرفی، ۱۳۷۸: ۱۴۴). مطرح کردن این نظرات و آشناسدن جامعه با رویکرد حقیقی اسلام مانعی برای نفوذ اندیشه غربی است از این‌رو به در این زمینه به تأمل مشغول شد. کتاب‌هایی مانند مسئله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام دستاوردهای علمی استاد مطهری در پاسخ به مسئله زن است. علاوه بر آنچه انتشار یافته است برخی از برنامه‌های استاد برای تبیین این موضوع با شهادت ایشان ناتمام می‌ماند از جمله بررسی (راز تفاوت‌ها) میان حقوق زنان و مردان به‌ویژه از جهت تأثیری که عوامل تاریخی و اجتماعی و (مقتضیات زمان) در آن‌ها داشته است (شرفی، ۱۳۷۸: ۱۵۱). همچنین یادداشت‌هایی از استاد در زمینه مادری باقی‌مانده است که دست‌مایه‌هایی برای نگارش جلد دوم کتاب نظام حقوق زن در اسلام در آینده بوده‌اند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۷). ورود شهید مطهری به موضوع مادری با طرح دو نظریه فمینیستی است؛ نظریه‌ای که متعلق به نانسی چادر است و نقش مادری را متعلق به گذشته می‌داند و معتقد است: «علت تمرکز یک سلسله وظایف و حقوق در محیط خانواده عدم توسعه تمدن و کمبود وسایل بوده است ولی امروز چنین نیست» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۱). در گذشته ضرورت نگهداری کودکان زنان را به خانه وابسته می‌کرده است؛ اما امروزه که نهادهای جایگزین مادری وجود دارند، ضرورت وابسته بودن کودک به مادر از بین رفته است.

نظریه دوم که متعلق به سیمون دوبووار است بیان می‌کند که درباره وظایف، حقوق، مقام، مهر و لذت مادری مبالغه شده است «چون زن را می‌خواستند در گوشه خانه محبوس کنند، این سخنان را می‌گفتند که او را قانع کنند» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۳). همچنین لذت شیر دادن و مراقبت از کودک حقیقی نیست، بلکه ناشی از تلقین و اغفال مردان جهت دور کردن زنان از دستیابی به منابع قدرت است. شهید مطهری معتقد است برخلاف نظریاتی که مطرح



¹ Nancy Chodorow

² Simone de Beauvoir

شد برای مادری و مادری کردن زنان فلسفه و علتی حکیمانه وجود دارد. نمی‌توان مادری را مختص به زمان یا شرایطی خاص دانست که با گذر زمان و تغییر شرایط بتوان آن را نفی کرد. برای اینکه وظیفه مادری تکلیف و امر شاق و تحمیلی جلوه نکند و مقام مادری نظیر «افتخار بازنشستگی» یک جمله تشریفاتی توخالی تلقی نشود، باید مادری را از لحاظ ارزش و اثرگذاری معرفی کرد و پیامدهای فردی و اجتماعی آن را بیان کرد.

ضرورتی که شهید مطهری در زمان خود احساس کرد و درصدد رفع آن برآمد امروز نیز وجود دارد و شدت بیشتری یافته است زیرا با توسعه فرصت‌های تحصیل و اشتغال زنان، فعالیت‌های اجتماعی به رقیبی برای مادری تبدیل شده است. بخش عمده‌ای از تقابل مادری با فعالیت اجتماعی مبتنی بر آرای نظریه‌پردازان فمینیست است. «فمینیست‌ها درون و خارج از فضای دانشگاهی خودشان را وقف اسطوره‌زدایی از مادری و سنت‌های خانواده هسته‌ای کردند» (بل، ۲۰۰۴، ۴۷). آن‌ها مادری را برای زنان خود فراموشی معنا کرده و منجر به کاهش منزلت مادری و اولویت آن در میان نقشه‌های متحمل برای آن‌ها شده است. اما فقدان ارائه برنامه‌های قابل اجرا در زمینه زندگی خانوادگی و تربیت فرزند و افزایش مشکلات زنان در اثر راهکارهایی که نظریه‌پردازان فمینیست ارائه داده بودند (گیلدر و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). سبب ایجاد جریان‌های احیای مادری درون و خارج از گفتمان فمینیستی شد که سارا رودیک^۱ و آلیس رسی^۲ از نمایندگان آن هستند. این تحول ضرورت بررسی نظریه‌هایی را که به تبیین جایگاه مادری می‌پردازد نشان می‌دهد. سؤالی که در این موضع مطرح می‌شود این است که در مقابل دلایلی که نظریه‌پردازان فمینیست در نفی مادری مطرح می‌کنند نظریه‌پردازان موافق مادری چه دلایلی برای اختصاص مادری به زنان مطرح می‌کنند، آن‌ها چه معنایی را برای مادری متصور می‌شوند و چه دلایلی را برای اثبات ارزشمندی و منزلت مادری ارائه می‌کنند. شهید مطهری به‌عنوان یک نظریه‌پرداز بومی موافق اختصاص مادری به زنان از این منظر مورد توجه قرار گرفت.

اهمیت موضوع

بسیاری از نظریه‌های فمینیستی معاصر شهید مطهری و به‌ویژه نظریه سیمون دوبووار درباره مادری مورد نقد واقع شده است اما نقدهای صورت گرفته درون گفتمان ماتریالیستی انجام شده است و موضع گفتمان دینی نسبت به موضوع مادری و انتقاداتی که به نظریه‌پردازان فمینیستی وارد می‌کند به‌صورت مستدل به جامعه علمی عرضه نشده است. این امر سبب

¹ Sara Ruddick

² Alice rossi



شده است درون فضای علوم انسانی ایران نیز مادری پایگاهی سنتی و مربوط به گذشته تعریف می‌شود. «زنان پایبند به کلیشه‌های جنسیتی مصمم‌اند تا الزامات نقشه‌ای {نقشه‌های} سنتی خود از جمله نقشه‌ای {نقشه‌های} خانه‌داری و مادری- را مطابق با هنجارهای جامعه و عرف با همان شدت و حدت انجام دهند؛ در نتیجه در مواجهه با چند نقش، نقشه‌ای {نقشه‌های} غیر سنتی و نقشه‌ای {نقشه‌های} جدید را در حاشیه قرار داده تأکید بیشتری بر نقشه‌ای {نقشه‌های} سنتی دارند. این مسئله سبب می‌شود تا تضاد نقش را کمتر احساس کنند. زیرا معتقدند نقشه‌ای {نقشه‌های} سنتی از جمله همسری و مادری در اولویت نقشه‌ای {نقشه‌های} زناشویی قرار دارند» (سفیری و زارع ۱۳۸۶: ۱۹۸). بنابراین با توجه به خلأیی که در زمینه نظریه‌های بومی در حوزه مطالعات زنان وجود دارد چنانچه آرای گفتمان دینی در زمینه پایگاه مادری در سطح جامعه علمی به بحث و بررسی گذاشته شود و نقاط اشتراک و افتراق آن با نظریات مطرح درون گفتمان فمینیستی مقایسه شود از درون گفتمان دینی مبنایی برای تحلیل کنش‌های زنان به دست می‌آید و در زمینه کنشگری الگویی عملی به زنان ارائه خواهد شد. آرای شهید مطهری که از نخستین صاحب‌نظران گفتمان دینی است که به تبیین جایگاه زن در اسلام اهتمام داشته است بستر مناسبی جهت نظریه‌پردازی بومی فراهم می‌کند. با توجه به اینکه نظر دوبرووار درباره مادری از اثرگذارترین نظریه‌ها در گفتمان فمینیستی است و استاد مطهری نیز در طرح موضوع مادری به نظریه او اشاره می‌کند، مقایسه این دو نظریه نقاط تقابل گفتمان فمینیستی و گفتمان دینی را آشکار خواهد کرد و مسیری را که گفتمان دینی برای رسیدن به نظریه جامع پیش رو دارد مشخص می‌کند.

مسئله اصلی

سیمون دوبرووار برای نفی مادری به چه عواملی استناد می‌کند و استاد مطهری به مسائل مطرح‌شده توسط دوبرووار چگونه پاسخ داده است؟ هدف این پژوهش مقایسه رویکرد سیمون دوبرووار به مادری با رویکرد شهید مطهری و دستیابی به نقاط تمایز و اشتراک این دو رویکرد است.

نحوه سازمان‌دهی مقاله

با توجه به روش تحقیق مورد استفاده که تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است و نیازمند چارچوب مفهومی و گزاره‌های نظری برای بررسی در نمونه است نظریه دوبرووار به علت جایگاه مهمی که در نظریه‌پردازان فمینیست دارد و کتاب جنس دوم او به‌عنوان مانیفست فمینیسم شناخته می‌شود به‌عنوان نظریه‌پردازی که مقوله‌ها و چارچوب مفهومی از نظریه او استخراج شود انتخاب شد. عناصر اصلی نظریه او بر اساس میزان تأکید او بر آن‌ها استخراج



شد و در یک مدل مفهومی به یکدیگر متصل شد. سپس اجزای مدل مفهومی در نمونه برگزیده شده از آثار شهید مطهری بررسی شد. پس از کدگذاری متون و استخراج مضامین مرتبط، مطالب متناسب با اجزای مدل مفهومی به تفصیل بیان شد تا موضع شهید مطهری در مورد مادری روشن شود. در نهایت اجزای نظریه دوبرووار با نظر شهید مطهری مقایسه شد و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص شد.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری

مادری برای نظریه پردازان فمینیست موضوعی مهم بوده است و بیشترین نظریه پردازی را در این زمینه مادری انجام داده‌اند. آن‌ها از فمینیست لیبرال تا فمینیسم پست مدرن همواره با مسئله مادری مواجهه داشته‌اند. سیمون دوبرووار و نانسی چادر دو نظریه پرداز برجسته هستند که شهید مطهری در طرح مسئله مادری به آثار این دو نظریه پرداز توجه داشته است. نانسی چادر نظریه پردازی است که با رویکرد روان‌شناختی به تبیین مادری می‌پردازد اما اوج درگیری نظری و تبیین مسئله مادری در فمینیسم به سیمون دوبرووار تعلق دارد. نانسی چادرو نظریه پردازی است که غریزه مادری را نفی می‌کند و در پی تحلیل گرایش زنان به مادری است. در تبیین علل گرایش زنان به مادری چادرو نظریه‌های روانکاوی را با رویکردی جامعه‌شناسانه ترکیب می‌کند و سه پیش فرض را مطرح می‌کند. ۱- مهارت‌های لازم را برای مادر شدن صرفاً با تقلید نمی‌توان یاد گرفت ۲- این مهارت‌های را با اراده کردن هم نمی‌توان یاد گرفت ۳- مردان نیز نمی‌توانند این مهارت‌ها را به زنان تحمیل کنند. تا زمانی که زن آگاهانه یا ناخودآگاه تاندازه‌ای در خود احساس مادرانه نداشته باشد هر چه سعی کند نمی‌تواند به درستی مادری کند (تانگ، ۱۳۸۷: ۲۵۲). با توجه به اینکه چادرو غریزه مادری را نفی می‌کند علت گرایش ناخودآگاه زنان به مادری را ارتباط نزدیک مادر و دختر می‌داند که، در دختر قابلیت‌های مادری کردن را ایجاد می‌کند. «مادرها، مادرها را باز تولید می‌کنند از طریق ایجاد ویژگی‌های شخصیتی نامتقارن در دخترها و پسرها و تداوم روابط مادر-دختر، در روح دختران قابلیت‌های مادری را ایجاد می‌کند و تداوم می‌دهد» (چادرو، ۱۹۸۱: ۵۰۱). از نظر چادرو زنان به دلایل روان‌شناختی به مادری تمایل دارند که ریشه آن دو چیز است؛ باز تولید رابطه مادر-فرزندی که خودشان تجربه کردند و «عقد ادیبی نامتقارن و دگر جنس خواه»^۲ که در دنیای مدرن با ایزوله شدن زنان از روابط اولیه و ناتوانی مردان

¹ Nancy Chodorow

² Oedipal asqmmeries and hetero sexual knot



در اقناع نیاز احساسی زنان به وجود آمده است. رابطه انحصاری مادر و کودک آسیب‌هایی برای مادران و کودکان در پی دارد که ناشی از فقدان ارتباط پدر با کودک است. راه‌حلی که چادرو پیشنهاد می‌دهد پدر و مادری اشتراکی است که پیامدهای ناشی از ارتباط مادر و کودک در فرایند رشد روانی را کاهش می‌دهد. پدری و مادری اشتراکی سبب می‌شود مادر در بیرون خانه زندگی معناداری داشته باشد در پسران هراس از اقتدار مادر یا انتظارات حاصل از فداکاری‌های انحصاری زنان شکل نمی‌گیرد و دختران و پسران این انتظار را پیدا کنند که مردان به اندازه زنان مهربان و زنان به اندازه مردان مستقل هستند. در این صورت پیامدهای اجتماعی که مادری برای زنان دارد نیز از بین می‌رود. تقسیم‌کار جنسیتی که مادری را به زنان واگذار می‌کند، باعث ابژگی زنان در نگاه مردان می‌شود وضعیتی که در آن زنان، به جای شناسه یا خود، دیگری و ابژه هستند. این وضعیت ناشی از این است که رشد خود در کودک در تضاد با مادر صورت می‌گیرد «مادر به‌عنوان مراقب اولیه به دیگری تبدیل می‌شود» (چادرو، ۱۹۸۱: ۵۰۲).

دوبووار مطرح کننده مفاهیم کلیدی در زمینه مادری است که پس از او سایر نظریه‌پردازان فمینیست به شرح و بسط آن‌ها پرداخته‌اند. سیمون دوبووار در طرح مسئله مادری، فرزندآوری زن را خدمت او به نوع انسان تعریف می‌کند که این خدمت حتی با خوش‌بینانه‌ترین نگاه هیچ نفع فردی یا اجتماعی برای زنان ندارد «بارداری کاری خستگی‌آور است که برای مادر فایده شخصی ندارد و به‌عکس فداکاری سنگینی ایجاد می‌کند» (دوبووار، ۱۳۸۰: ۷۰). بنابراین زن قربانی نوع می‌شود. نوع چنان او را به انجام این خدمت تشویق کرده است که متوجه از خود بیگانگی نیست. مادری علاوه بر سختی و رنجی که به زن تحمیل می‌کند پیامد اجتماعی مهمی نیز دارد و باعث نابرابری گسترده میان زنان و مردان شده است.

دوبووار در سطح معنای ذهنی مادری را فرآیندی نمی‌بیند که زن با بروز خلاقیت، هویت خود را در آن منعکس کند. مادری صرفاً فعالیتی است که طی یک جریان طبیعی رخ می‌دهد، در نتیجه زن از آن نه تنها احساس رضایت نمی‌کند بلکه به‌عنوان یک سرنوشت انفعالی آن را به‌اجبار می‌پذیرد. مادری به علت طبیعی بودن فعالیتی است که زن را از بعد انسانی دور می‌کند و به حیوانیت نزدیک می‌سازد «زن در عالم مادری چون حیوان به پیکر خود پرچ شده می‌ماند است» (دوبووار، ۱۳۸۰: ۱۱۷). بنابراین مادری با توجه به معنا و



پیامدهایی که برای زنان دارد به خودی خود دارای ارزش نیست و توسط نظام مردسالاری^۱ به زنان تحمیل شده است.

جامعه برای تحمیل مادری به زنان تصویر زن عاشقی که به توقع‌های فرزند پاسخ می‌گوید، را به‌عنوان مادر مطلوب ارائه می‌کند. در پشت این تصویر نیز فریبی وجود دارد. مادر تقریباً همیشه زنی ناراضی است و محرومیت‌های ناشی از جنسیت خود را با کودک جبران می‌کند. انتقامی که او از مردان می‌گیرد در خشونت با کودک تجلی یابد. از طرف دیگر مادر در حال تحمیل خواسته‌ها و رؤیاهای خود به کودک است و می‌خواهد از خارج و کورکورانه کودک را تحت نظم درآورد. دوبرووار رفتارهای زنان نسبت به فرزندانشان را مؤیدهای بیشتری برای غیر غریزی و اجتماعی بودن مادری می‌داند. «عشق مادری ابداً دارای جنبه طبیعی نیست اما دقیقاً به همین علت است که مادران بد وجود دارند و یکی از حقایق بزرگی که روانکاوی اعلام داشته خطری است که پدر و مادرهای عادی برای کودک ایجاد می‌کنند» (دوبرووار، ۱۳۷۹: ۴۰۱).

دوبرووار در نظریه خود از مادری تعریفی ارائه می‌دهد و بر اساس آن پیامدهایی فردی و اجتماعی برای مادری در نظر می‌گیرد. دوبرووار مادری را قربانی شدن برای نوع تعریف می‌کند و سپس پیامد فردی از خودبیگانگی و پیامد اجتماعی فرودستی اجتماعی را برای زنان لحاظ می‌کند. این پیامدها سبب می‌شود مادری برای زنان رضایت‌بخش نباشد. بنابراین مفاهیم اساسی در نظریه دوبرووار عبارت‌اند از: تعریف، پیامدهای فردی، پیامدهای اجتماعی و رضایت یا عدم رضایت

نمودار شماره ۱



¹ Patriarchy



نمودار شماره ۲



۲-۲- پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱- پیشینه تحقیق

نویسندگان (سال) روش استفاده شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم ترین یافته ها
رسولی پور و مهدوی ۱۳۹۲ مطالعه کتابخانه‌ای	- بررسی مادری و همسری در اندیشه دوبووار - نقد آرای دوبووار با اتکا به اندیشه امام خمینی	فمینیسم علی‌رغم تلاش برای بهبود موقعیت زنان باعث تنزل جایگاه زنان شده است درحالی که دین اسلام ماهیت زن به‌عنوان یک انسان را بازتعریف و هویت و حقوق ازدست‌رفته زن اعاده کرده است.
بوتری نژاد و جهانشاهی ۱۳۹۸ روش مقایسه‌ای	- گستره نقش مادری از منظر امینه ودود و علامه طباطبایی تا کجا بسط پیدا می‌کند. - نقاط افتراق امینه ودود و علامه طباطبایی در ارتباط با مسئله مادری چیست	مبتنی بر رویکرد علامه روحیات، خُلقیات و جهازهای جسمانی زن همگی بر نقش‌های طبیعی مادری از قبیل بارداری، تولد، نگهداری و تربیت کودک مُهر تأیید می‌زنند و از سوی دیگر در رویکرد ودود نقش‌هایی از قبیل نگهداری و تربیت کودک توسط زن بر اساس فرهنگ جوامع و شرایط تاریخی شکل گرفته است که با تغییر جوامع امکان تغییر آن‌ها نیز فراهم می‌شود.



در میان فمینیست‌ها نیز نسبت به مادری رویکردی دوگانه وجود دارد فمینیست‌های اولیه دنبال بهبود عملکرد مادران بودند و فمینیست‌های نسل بعد مادری را برای زنان خطرناک می‌دانستند.	نشان دادن غلبه جنبه اجتماعی مادری بر جنبه بیولوژیک آن	صادقی ۱۳۸۴ مطالعه اسنادی
دوبوواری به عنوان فرد شاخص فمینیسم در حوزه هوش مداری و آزادی مطلق نظریه پردازی کرده است و جنبه روحی انسان را نادیده گرفته است.	- بررسی مبانی فکری دوبوواری - بیان نقاط ضعف و قوت اندیشه دوبوواری	یزد خواستی ۱۳۸۴ مطالعه اسنادی
استاد مطهری قرآن را بهترین سند برای اثبات جایگاه والای زن می‌داند و نقش سازندگی زن مدیون عفاف و تقوی است.	مبانی فکری شهید مطهری چه تأثیری بر نگرش ایشان نسبت به حقوق و ارزش و هویت فردی و اجتماعی زن دارد	سپهری ۱۳۹۳ مطالعه اسنادی
علت اصلی ثبات خانواده توجه به ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد است.	ارائه چارچوب نظری برگرفته از آثار استاد مطهری برای بررسی عوامل ثبات و استحکام خانوادگی است	بستان ۱۳۸۸ مطالعه اسنادی
فمینیسم اسلامی در بازنگری مطالبات و استیفای حقوق زنان نقش داشت اما خود منشأ چالش‌هایی شد که نیازمند پاسخ با رویکرد اجتهاد اصولگراست.	- فمینیسم اسلامی چه تأثیری در خیزش‌های فکری زنان در جهان اسلام داشته است؟ - آیا جریان فکری فمینیسم اسلامی پاسخگوی مسائل زنان در جهان اسلام بوده است؟	میر خانی ۱۳۹۷ تحلیل محتوا

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

در ایران پژوهش‌هایی در زمینه نقد نظریه پردازان فمینیست و مقایسه دیدگاه‌های آن‌ها با متفکران مسلمان انجام شده است و برخی از آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع مادری پرداخته‌اند. با توجه به اینکه شهید مطهری از متفکرین مسلمان برجسته هستند و در آثارشان به موضوعات مرتبط با حوزه زنان پرداخته‌اند پژوهش‌هایی هویت زن و جایگاه او در خانواده را از منظر استاد مورد بررسی قرار داده‌اند. استاد مطهری یادداشت‌هایی برای



نگارش کتاب درزمینه مادری آماده کرده بود و به دلیل اینکه مادری از مسائل اصلی مطرح شده توسط نظریه پردازان فمینیست است طرح مسئله استاد نیز در قالب پاسخ به نظریه پردازان فمینیست بوده است باوجوداین، تاکنون مادری از منظر ایشان موردبررسی قرار نگرفته است. این مقاله بابیان و تحلیل نظریه دبووار که نظریه پرداز شاخص فمینیست است پاسخ‌های استاد به نظریه پردازان فمینیست را بررسی می‌کند.

۳- روش تحقیق

نوع تحقیق

تحقیق از نوع بنیادی است

استراتژی کلی تحقیق

تحقیق به روش کیفی انجام شده است.

تعریف مفاهیم یا متغیرها (نظری و عملیاتی)

مادری مفهومی دارای یک تعریف ساده و نزدیک به ذهن است. از منظر آدریان ریچ «مادری کردن به معنای ارتباط یک زن با تولد فرزند و مراقبت از کودک است» (Swift 2015 881). جان برناردز^۲ مفهوم مادری را به اندازه‌ای بسط می‌دهد که کار خانگی را نیز دربرمی‌گیرد «مادری صرفاً وضعیت مبتنی بر جنبه‌های زیستی نیست بلکه مجموعه چشمگیری از فعالیت‌هایی چون مراقبت از نوزاد و کارهای بدنی سخت زنانه مثل نظافت و شست‌وشو تا کارهای عاطفی دائمی و تنظیم روابط با فرزندان و همسر را دربرمیگیرد» (برناردز: ۲۹۰، ۱۳۹۰). منزلت اعتبار و احترامی است که به افراد حاضر در یک پایگاه اجتماعی تعلق می‌گیرد. از فردی که در یک موقعیت منزلتی قرار گرفته است رفتارهایی مختص به آن موقعیت انتظار می‌رود «فعالیت رفتاری ملازم با عهده‌داری در یک موقعیت منزلتی، نقش شناخته می‌شود» (ترتر، ۱۳۷۸: ۱۰۳). پس به یک فرد در یک پایگاه اجتماعی میزانی از احترام و اعتبار تعلق می‌گیرد و مجموعه‌ای از وظایفی نقشی نسبت داده می‌شود. معنادار بودن کنش از منظر وبر به منزله این است که «از نظر ذهنی قابل درک باشد» (وبر، ۱۳۸۴: ۲۶) از منظر مید معنا در جریان کنش متقابل چیزی است که پاسخ انطباقی را در طرف دوم کنش ایجاد می‌کند (Mead: 1972). بنابراین می‌توان از مجموع آنچه وبر و مید



¹ Adrienne Rich

² John Bernardes

بیان کرده‌اند نتیجه گرفت که معنا چیزی است که کنشگر کنش را ناشی از آن انجام می‌دهد و چرایی انجام کنش در آن نهفته است.

روش‌های گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است.

روش‌های تحلیل داده‌ها^۱

پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. «ویژگی برجسته این روش استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده‌اند؛ مقوله‌ها روی داده‌ها اعمال می‌شوند» (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۴۷). تحلیل محتوا روشی برای تحلیل، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط خصوصیتی از متن است همچنین امکان آشکار کردن معانی پنهان شده در متن و مقایسه چندین متن را ایجاد می‌کند (مؤمنی راد و همکاران: ۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی انواعی دارد و این پژوهش به شیوه جهت‌دار یا هدایت‌شده صورت گرفته است. «در روش تحلیل محتوای کیفی از نوع جهت‌دار (مایرینگ، ۲۰۰۰) یا هدایت‌شده (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۷) عنوان کردند که محقق با توجه به پیشینه نظری و پژوهشی موضوع، به مقوله‌سازی دست می‌زند و در نهایت با توجه به مقوله‌های موجود و با رویکرد کیفی به بررسی متون می‌پردازد» (مایرینگ، ۲۰۰۰، ژانگ و همکاران، ۲۰۰۷) و (صالحی عمران و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲). تمایز روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار با سایر روش‌ها در نقش نظریه در آن است که آن را در انواع روش‌های قیاسی متکی بر نظریه قرار می‌دهد «مقوله‌های مشخص شده در تحقیقات می‌توانند دید متضادی از نظریه‌ها ایجاد کنند و یا می‌توانند در جهت اصلاح، گسترده‌گی و تقویت کردن نظریه، تأثیر بگذارند.» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۶).

جامعه و نمونه

جامعه آماری آثار استاد مطهری است. نمونه آماری به صورت هدفمند از نوع موارد مطلوب شامل آثار شهید مطهری با موضوعات مربوط به زن است که عبارت‌اند از مسئله حجاب، نظام حقوق زن در اسلام و جلد ۵ و ۷ یادداشت‌های استاد. با توجه به اینکه مادری پایگاه اجتماعی است که به زنان تعلق دارد، انتظار می‌رود مضامین مربوط به مقوله‌های پژوهش در آثار شهید مطهری با موضوع زن وجود داشته باشد، از این رو کتب ذکر شده به‌عنوان نمونه

^۱ روش تحلیل با روش گردآوری متفاوت است. لطفاً روش کتابخانه‌ای و اسنادی را به‌عنوان روش تحلیل بیان نکنید که واقعاً نشان از عدم تسلط نویسنده به روش تحقیق دارد



انتخاب شدند. علاوه بر این در ادامه پژوهش با توجه به یافته شدن مضمون تربیت، کتب تعلیم و تربیت در اسلام و انسان کامل نیز به نمونه اضافه شد.

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

روایی و پایایی در روش کیفی با روش کمی متفاوت است و چهار معیار برای آن در نظر گرفته شده است: باورپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اعتمادپذیری. نقل‌قول اصیل و مستقیم می‌تواند باعث افزایش باورپذیری پژوهش شود. گرچه یافته‌ها در پژوهش کیفی نیاز به انتقال به بسترهای دیگر ندارد جامعیت بخشیدن به بررسی می‌تواند انتقال‌پذیری داده‌ها را برای مخاطب قابل‌پذیرش کند. وابستگی مشابه پایایی در روش کمی است که با پیروی از روش واحد در کدگذاری ثبت دقیق مراحل و شیوه ترکیب و تلخیص داده‌ها تأمین می‌شود. اعتمادپذیری تأیید یافته‌ها توسط خواننده است که در ابتدا یافته‌ها بر خصوصیات آشکار و پنهان داده‌ها و پرهیز از سوگیری محقق به دست می‌آید (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲).

در این پژوهش برای دستیابی به باورپذیری از نقل‌قول و ارائه مطالب اصیل موجود در متون استفاده شد. عناصر مدل مفهومی در مضامین موجود در آثار شهید مطهری از ابتدا تا انتهای پژوهش جستجو شد از این رو وابستگی در پژوهش وجود دارد. بر مبنای داده‌های مشاهده‌شده نتیجه‌گیری صورت گرفت. فقدان سوگیری مؤید اعتمادپذیری پژوهش است با بررسی جامع متون شهید مطهری پیرامون مادری قابلیت انتقال‌پذیری پژوهش تأمین می‌شود.

مراحل انجام و به‌کارگیری روش

بر اساس رویه تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم موجود در چارچوب مفهومی ذکرشده در آثار شهید مطهری بررسی شدند که عبارت‌اند از: تعریف، پیامد فردی، پیامد اجتماعی و ارزیابی از نقش است. تعریف مادری به چیستی مادری می‌پردازد و کارکردهای آن را دربردارد. پیامد فردی ناظر به نتایجی است که در ارتباط ذهنی زن با پایگاه مادری حاصل می‌شود. پیامد اجتماعی به جایگاه اجتماعی و میزان مزایایی که به‌واسطه قرار گرفتن در پایگاه مادری کسب می‌کند ناظر است. ارزیابی نقش نتیجه‌گیری نهایی زن از قرار گرفتن در پایگاه مادری است.

مضمون به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شد و با بررسی جمله به جمله، متون نمونه کدگذاری شد و مفاهیم موجود در متن استخراج شد. سپس مفاهیم یافته شده مقوله‌بندی شد و با مقوله‌های مدل مفهومی مقایسه شد. از تحلیل نمونه موردبررسی مجموعه‌ای از مفاهیم به دست آمد که در جدول زیر آورده شده است.



جدول شماره ۲- مقوله‌ها و مفاهیم

مقوله	مفهوم	مصادق
تعریف	وظیفه تکوینی	مادر وظیفه‌ای به حکم فطرت و طبیعت و به حکم قانون اسلام- که سرچشمه‌اش همان فطرت است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۶)
	تقدس	از نظر اسلام توالد و تناسل مسئولیت مقدس و خدمت است نه جنایت (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۴)
	جامعه سازی	از جنبه‌های اجتماعی، یعنی از جنبه تأثیر مادر در بهبود نسل و یا فساد آن و در تربیت روح فرزندان به واسطه عواطف فوق العاده مادری بشناسیم (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۹)
پیامد فردی	رشد شخصیتی	محبت مادری نه تنها برای فرزند مفید است بلکه وجود خود مادر را نیز تغییر می‌دهد، کیمیایی است برای وجود مادر، روح او را هشیار می‌کند و از نخستی خارج می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۸)
	لذت	لذت مادری نیز خالص‌ترین و باصفاترین لذت‌هاست (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۰)
پیامد اجتماعی	مقام مادری	مادر که در دوران بارداری و دوران شیر دادن و دوران کودکی طفل جسم و جان کودک را غذا می‌دهد، شخصیت اول را در آدم سازی دارد و کار انبیا را صورت می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۹)
	حق مادری	حدیث: الجنه تحت الاقدام الامهات (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۶) داستان شیخ انصاری و مادرش که تا اواخر زنده بود، پیر و کور و زمین گیر شده بود و شیخ شخصاً متعهد حوایج او و خصوصاً نقل مکان دادن او و به مستراح بردن او بود (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۱)
ارزیابی از نقش	رضایت	مادری اگر طبق حفظ‌الصحه صورت بگیرد، هم با سلامتی و هم با زیبایی و هم با طول عمر و هم با لذت و بهجت در عین زحمت سازگار است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۴)

توضیحات لازم در خصوص روش‌های جدید به نحوی که اولاً معرف روش بوده و ثانیاً بیانگر و روشن‌کننده رویکرد استفاده شده باشد.



۴- یافته‌های تحقیق

نخستین مقوله‌ای که در آثار شهید مطهری یافته شد تعریف مادری است. در تعریف مادری شهید مطهری در ابتدا ماهیت مادری را تعیین می‌کند و یکسان بودن آن را با رفتار حیوانی نفی و سپس تقدس مادری را اثبات می‌کند. علت تفاوت مادری در انسان و حیوان معنایی است که در کنش انسانی وجود دارد و هدفی است که زن در کنش خود به آن توجه دارد. گرچه زن در اثر یک عمل طبیعی در پایگاه مادری قرار می‌گیرد معنایی که به کنش او نسبت داده می‌شود، انجام وظیفه تکوینی است. دو وجه وظیفه و تکوینی بودن که عناصر تعریف شهید مطهری از مادری هستند، ناشی از توجه او در تعریف مادری به ویژگی‌های جسمی زن است. تکوینی بودن به قابلیت زیستی زن برای پرورش فرزند اشاره دارد و وظیفه بودن به اختصاص امکان پرورش فرزند در قالب جسم زن و فقدان وجود بستری دیگر برای آن توجه دارد. نظام خلقت که نظام احسن است زن را به گونه‌ای خلق کرده است که کارکرد پرورش فرزند را داشته باشد. در حقیقت زن را موظف به مادری کرده است و در صورتی که زن این وظیفه را بپذیرد فعالیت او تقدس می‌یابد. تقدس مادری در بیان شهید مطهری علت دیگری هم دارد. انسان اشرف مخلوقات است و مادر پرورش‌دهنده او است. به دلیل کرامت ذاتی انسان، کار مادر تقدس می‌یابد.

« ممکن است کار مادری کوچک شمرده شود، زیرا اثر قهری یک عمل حیوانی است. عمل حیوانی مطلقاً نسبت به رفتارهای انسانی مقام نازل‌تری دارد. ولی این تصور اشتباه است، زیرا فرق است میان یک عمل غیرضروری مربوط به قوای حیوانی مثل اغلب خوردن‌ها و آشامیدن‌های تفننی و آمیزش‌های جنسی، و میان یک عمل حیوانی که انجام وظیفه تکوینی است. عمل زایش از نوع اعمالی نیست که بتوان گفت جنبه تفنن و افراط دارد و لهذا همیشه امر مقدس به شمار می‌رود» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۵).

در بسط تعریف، استاد مطهری به نوع و گستره فعالیت مادری می‌پردازد. نوع فعالیت به لحاظ فردی یا اجتماعی بودن ناشی از دامنه اثرگذاری آن است از این جهت به دلیل اینکه میدان اثر مادری کل جامعه است فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود. در نگاه شهید مطهری با توجه به اینکه انسان بنیاد شکل‌گیری جامعه است کنشی که در راستای تربیت او انجام می‌شود فعالیتی اجتماعی تلقی می‌شود.

«مادری، خود مهم‌ترین وظیفه و مقام و پست اجتماعی است و باید در درجه اول وظایف و مقامات اجتماعی زن قرار بگیرد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۰).



مفهوم دیگری که شهید مطهری به عنوان نشانه اجتماعی بودن فعالیت مادر استفاده می کند عاطفه اجتماعی است. مهر مادری که به صورت تکوینی در وجود زن قرار گرفته است ضمن اینکه سبب حفظ حیات و تربیت فرزند می شود کارکرد ایجاد عاطفه انسانی و اجتماعی را دار است. این کارکرد سبب می شود کنش عاطفی مادر اثری فراتر از رابطه مادر و فرزند داشته باشد.

«انسان عواطف اجتماعی را در کانون خانوادگی از چشمه فیاض پرمحبت مادر می گیرد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۷).

عاطفه اجتماعی مفهومی است که استاد مطهری آن را با استناد به قرآن در کنار عدالت قرار می دهد؛ عدالت و عاطفه به مثابه عنصر سخت و نرم، روابط اجتماعی را تنظیم می کنند. عاطفه اجتماعی آن گونه که از تعریف شهید مطهری برمی آید به مضمون ایثار و گذشت اشاره دارد.

« معنای عاطفه این است که انسان از حق مشروع خود به نفع دیگری استفاده کند. چنین آدمی باید کلاس قبل از این را طی کرده باشد. کلاس قبل از این کدام است؟ این است که به حقوق مردم تجاوز نکند و حقوق آن ها را محترم شمارد و حق خود را استیفا کند و بعد، از حق مشروع خود به نفع مردم استفاده کند. هر کسی این کار را کرد، به این [خصلت او] عاطفه اجتماعی می گویند» (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۶).

از نظر شهید مطهری بستر ایجاد عاطفه اجتماعی رابطه مادر- فرزند است و مادر کارگزار اصلی در ایجاد عاطفه اجتماعی است. عواطفی که در رابطه مادر و فرزند تبادل می شود و احساس وابستگی فرزند به مادر پایه تعهد فرد به جامعه و ایجاد انسجام اجتماعی است. بنابراین عاطفه مادر خصلت اجتماعی دارد و مادر در مقام مهرورزی در جایگاه کنشگری اجتماعی قرار دارد. شکل گیری روابط میان افراد در جامعه مطلوب از منظر شهید مطهری بر اساس محبت است و مادر پایه گذار چنین جامعه ای است.

«تنها محبت خانوادگی کافی نیست؛ آدمی محتاج است که مردم و محیط را دوست داشته باشد و مردم و محیط، او را دوست داشته باشند» (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

با توجه به کارکردهای مادری در تربیت انسان و پرورش عاطفه اجتماعی مادری فعالیت اجتماعی است زیرا ثمره و نتیجه آن درون جامعه دیده می شود. اجتماعی بودن مادری از منظر شهید مطهری به این معنا نیست که مادری با سایر فعالیت های اجتماعی تفاوتی ندارد و مادر قابل جایگزینی با فردی دیگر به عنوان متولی تربیت است. شهید مطهری مادر نیابتی را نفی می کند و تصور موجود را درباره اینکه پرستار و دایه و یا مهد کودک قابلیت این را دارند که جایگزین مادر شوند رد می کند. علت بی بدیل و غیرقابل جایگزین بودن مادری در



الزاماتی است که شهید مطهری برای ثمربخش بودن تربیت در نظر می‌گیرد. تربیت، به‌ویژه تربیت فرزند دارای دو رکن اساسی علاقه و علم است و برای تحقق تربیت صحیح، مربی باید دارای دو ویژگی علم و علاقه به مربی باشد. چنانچه یکی از این دو عامل وجود نداشته باشد یا دچار نقص باشد اهداف تربیت محقق نمی‌شود. علم مقوله‌ای اکتسابی است که هر فردی می‌تواند به آن دست پیدا کند اما عنصر علاقه که اهمیت آن از علم بالاتر است به‌صورت فطری در رابطه فرزند و مادر وجود دارد و نمی‌توان آن را در رابطه کودک با مربی مهد یا پرستار ایجاد کرد.

شهید مطهری رابطه عاطفی مادر و فرزند را متمایز از سایر روابط عاطفی می‌داند و برای این تمایز ارزش کارکردی قائل است. کودک برای رشد صحیح نیازمند دریافت نوعی از عاطفه است که شدید و توأم با فداکاری باشد. تنها فردی که مادر امکان برقراری این نوع از رابطه عاطفی را دارد مادر است زیرا مهر مادر ویژگی‌هایی دارد که به‌صورت اکتسابی قابلیت ایجاد ندارد؛ مهر مادری دارای شدت و خلوصی بی‌نظیری است که شهید مطهری با تشبیه به حرارتی که برای ذوب فلز لازم است شدت آن را نشان می‌دهد، مادر از فرزند انتظار ما به ازایی ندارد، مهر مادر پیوسته و مداوم است و هیچ عاملی از جمله بی‌توجهی فرزند نمی‌تواند مانع از بروز محبت مادر شود. محبت مادر با عقلانیت دچار تضاد نیست بلکه در مواردی که لازم باشد در مورد فرزند جدیت به کار می‌برد. مجموعه ویژگی‌های محبت مادر به‌اضافه کارکرد آن برای فرزند سبب می‌شود شهید مطهری محبت مادر را به رحمت خدا تشبیه کند. در رابطه مادر و فرزند و رابطه بنده و پروردگار غلبه کلی با محبت است، کلیه کنش‌های مادر را با فرزند بر اساس محبت معنا می‌شود و این محبت سبب اطمینان فرزند نسبت به مادر است که حتی در حالت جدیت مادر باز به او پناه می‌برد.

«این‌که کودک از قهر مادر به مهر او پناه می‌برد، به این دلیل است که قهر مادر نیز از مهر او ناشی می‌شود (عاشقم بر قهر و بر لطفش به جد- ای عجب من عاشق این هر دو ضد) مادر از محبتی که به کودک دارد به او تندی می‌کند و محبت او توسط کودک درک می‌شود. درواقع خلوص و بی‌شائبگی مهر مادر در روح فرزند انعکاس می‌یابد، یعنی در همان حال قهر بازهم مهر را احساس می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۲).

شهید مطهری از نیاز کودک به محبت و اکتسابی نبودن مهر مادری نتیجه می‌گیرد که این محبت به‌صورت تکوینی و در راستای انجام وظیفه مادر در وجود او قرار گرفته است. از آنجاکه نظام تکوین وظیفه پرورش فرزند را به مادر اختصاص داده است لوازم آن را در اختیار او قرار داده است و امکان واگذاری وظیفه مادری به دیگران وجود ندارد. در جمع‌بندی از توضیحات استاد مطهری درباره ماهیت مادری، تعریف انجام‌وظیفه تکوینی اجتماعی، درباره مادری و



جامعه‌ساز درباره مادر به دست می‌آید. جامعه‌ساز بودن مادر در استفاده از تعبیر حکومت مادرشاهی طبیعی توسط شهید مطهری نشان داده می‌شود.

«مادران قادر به بهبود و اصلاح نژاد و فاسد کردن آن هستند و مردان از این نظر نسبت به زنان مرتبه دوم و نقش فرعی را دارا هستند. بنابراین همچنان از نظر طبیعت، حکومت مادرشاهی برقرار است» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۶).

دومین مقوله یافته‌شده در آثار شهید مطهری پیامد فردی مادری است. پیامد فردی وقایع و آثاری است که به صورت خود به خودی و در اثر فرآیند مادری کردن برای زن ایجاد می‌شود. شهید مطهری به دو پیامد فردی در طی فرآیند مادری کردن برای زنی که عهده‌دار این نقش است توجه کرده است؛ اولین پیامد در سطح احساس و دومین پیامد در سطح رفتار است.

در بررسی اثر کنش مادری بر کنشگر اولین سطحی که مورد توجه شهید مطهری قرار می‌گیرد، احساسات است. او با در نظر گرفتن عوارض جسمی که زنان در فرآیند مادری به آن دچار می‌شوند تجربه احساس سختی در زنان را می‌پذیرد اما بر احساس لذت تأکید می‌کند و از میان این دو احساس متضاد، لذت را غالب می‌داند. لذتی که مادر احساس می‌کند به لحاظ شدت بسیار عمیق است و با لذت جسمانی تفاوت دارد.

«البته لذتی که مادر از فرزند می‌برد عقلانی و از مختصات انسان نیست. لذت مادری یک لذت روحانی است که قابل حس کردن از طریق اعضاء نیست» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۹).

با توجه به اینکه لذت مادری، غیرمادی است شهید مطهری برای آن دو منشأ که با این نوع از لذت تناسب دارد در نظر می‌گیرد. اولین عامل لذت، نفس محبت کردن است. به عبارت دیگر لذت آمیخته با محبت کردن مادر به فرزند است و مادر در همان لحظه که به فرزند ابراز محبت می‌کند از کنش خود لذت می‌برد. شهید مطهری پیوستگی کنش و احساس لذت را در تناسب میان محبت و لذت مادری بیان می‌کند. بنابراین نخستین پیامد مادری در ذات کنشگری مادر وجود دارد و تجربه می‌شود.

«لذت مادری متناسب است با محبت مادری. همان‌طوری که محبت مادری بالاترین محبت‌هاست، قهراً لذت مادری نیز بالاترین لذت‌هاست. یک لبخند کودک، یک شیرین‌زبانی، یک التجاء به مادر، یک‌قد و بالای فرزند دیدن، فوق‌العاده لذت دارد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۶۳).

منشاء دوم لذت وجود فرزند است که به مثابه اثر کنش مادر دیده می‌شود. شهید مطهری رابطه مادر و فرزند را به رابطه تولیدکننده و محصول تشبیه می‌کند. همان‌گونه که تولیدکننده پس از مصرف مواد اولیه و به‌کارگیری استعداد و توانمندی خود محصولی را تولید می‌کند و از به‌نتیجه رسیدن فعالیت خود لذت می‌برد، مادر نیز از دیدن رشد فرزند که تبلور عینی صرف زمان و تلاش برای پرورش او است لذت می‌برد.



«لذتی است که از همه لذتها بالاتر است. همان‌طور که یک صنعتگر و یک خطاط و یک نقاش از اثر خود لذت می‌برد، مادر نیز از دیدن فرزند لبخند او، شیرین‌زبانی، التجاء به مادر، قد و بالای فرزند، لذت می‌برد. اگر پدر و مادر در تکوین روحی یعنی در تربیت و تأدیب و آراستگی روح فرزند خود مؤثر باشند همانند یک نقاش که خالق تابلویی زیباست از دیدن فرزند خود بالاترین لذت را می‌برد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۵۵).

شهید مطهری در سطح بعدی به رفتار زنان توجه می‌کند و دومین پیامدی که برای مادری کردن در نظر می‌گیرد تحولات شخصیتی است که در زن ایجاد می‌شود و دوران پیش از مادری را با پس‌از آن متفاوت می‌کند. پس از مادر شدن زن از انفعال خارج شده و ویژگی‌هایی پیدا می‌کند که برای حفاظت از فرزند به آن‌ها نیاز دارد. عامل این تحولات شخصیتی از منظر شهید مطهری احساس محبتی است که مادر نسبت به فرزند دارد و در صورتی که در جایگاه مادری قرار نمی‌گرفت به این ویژگی‌ها دست پیدا نمی‌کرد. ویژگی‌هایی که در زن ایجاد می‌شود شجاعت بخشندگی و فداکاری است که جزء صفات اخلاقی ارزشمند محسوب می‌شوند. بنابراین مادری باعث تکامل شخصیتی زنان است که فضائل اخلاقی را در او رشد می‌دهد و حتی ویژگی ترس را که در کلیشه‌ها به زن نسبت داده می‌شود، از بین می‌برد.

«محبت به فرزند برای مادر اثری مانند کیمیا دارد روح او را هشیار می‌کند و از لختی خارج می‌کند. شجاعت و بخشندگی و فداکاری را در او ایجاد می‌کند. ایجاد این تغییرات اختصاص به انسان ندارد، در حیوانات نیز همین اتفاق رخ می‌دهد. محبت مادری، یک مرغ خانگی را که از صبح تا شب جز دانه جمع کردن و دنبال شکم رفتن کاری ندارد و فوق‌العاده جان و ترسوست متحول می‌کند، او را شجاع و بخشنده و فداکار می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۸).

بخشی از فرآیند تکامل شخصیت مادر در اثر محبت مادری و به‌صورت فطری ایجاد می‌شود اما قرار گرفتن زن در جایگاه مادری که مربی و پرورش‌دهنده کودک و جامعه‌ساز است بستری برای ایجاد آگاهانه ویژگی‌های شخصیتی متعالی در زنان است. شهید مطهری برای تبیین این موضوع به روایاتی درباره اثر شیر مادر و حالات روحی بر فرزند استناد می‌کند. با تأکید بر اینکه تربیت پیش از تولد کودک آغاز می‌شود و در دوران بارداری و شیردهی اساس شکل‌گیری شخصیت کودک پایه‌گذاری می‌شود این نتیجه به دست می‌آید که زنان برای داشتن فرزندی مستعد رشد و تعالی انسانی و الهی باید از حالات روحی خود مراقبت کنند. وجود این آگاهی در زنان زمینه‌ساز رشد شخصیت آن‌هاست.

سومین مقوله یافته‌شده در آثار شهید مطهری پیامدهای اجتماعی مادری برای زنان است. پیامد اجتماعی مادری در حقیقت پاسخ جامعه به زنی است که به وظیفه مادری عمل کرده



است. در مقابل وظیفه‌ای که مادر انجام داده است حقوقی به او تعلق می‌گیرد. مرجع اداکننده حق مادر در یک سطح فرزند است و در سطح دیگر جامعه است. در تعریف شهید مطهری، مادری انجام وظیفه تکوینی زن است که دارای بعد اجتماعی است. مصداق انجام وظیفه زن فعالیت‌هایی است که برای رشد و پرورش فرزند انجام داده است و در مقابل در مقام ادای حق مادر، فرزند نماینده جامعه است. شهید مطهری ویژگی‌ای که در رابطه مادر-فرزند وجود دارد به انجام وظیفه فرزند مقابل مادر تعمیم می‌دهد همان‌گونه که رابطه مادر و فرزندی گسسته نمی‌شود، حق مادر بر فرزند ساقط نمی‌شود. در زمینه باقی ماندن حق مادر بر فرزند در صورت کفر شهید مطهری به سیره امام صادق در توصیه به رعایت حال مادر غیرمسلمان استناد می‌کند. «از جمله مرد جوانی که مسیحی بود و مسلمان شد و در مدینه به محضر امام صادق علیه‌السلام رفت امام او را به رعایت حال مادر توصیه کرد و بالاخره آن مادر مسلمان شد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۱).

شهید مطهری در نشان دادن منشاء حق مادری به دو بعد جسمی و عاطفی که نقش مادری در ارتباط با کودک داراست، توجه دارد. در بعد جسمی به آیاتی از قرآن استناد می‌کند که به وابستگی جسمانی کودک به مادر اشاره دارد در سوره لقمان آیه ۱۴ می‌فرماید: «و وصینا الانسان بوالديه حملته امه وهنأ علی وهن و فصاله فی عامین ان اشکر لی و لوالدیک الی المصیر» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۵). در این آیه هر انسانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان به شکرگذاری والدین توصیه می‌شود به‌ویژه مادر که به دلیل بارداری و شیردهی روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود. در آیه ۱۵ سوره احقاف نیز می‌فرماید: «و وصینا الانسان بوالدیهما حسناً حملته امه کرهأ و وضعته کرهأ و حمله و فصله ثلثون شهراً حتی اذا بلغ اشد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۵). با استفاده از این آیات شهید مطهری پذیرفتن سختی مادری برای زنان و نگاه واقع بینانه به موضوع مادری را نشان می‌دهد. مقام و حقی که برای مادر در نظر گرفته شده است به جهت فریب زنان و سوق دادن آن‌ها به سمت مادری از روی ناآگاهی و یا تصویری غیرواقعی نیست. بلکه از زنان انتظار می‌رود پذیرفتن وظیفه تکوینی توسط آن‌ها کاملاً آگاهانه و بااطلاع از دشواری‌های آن باشد و در این صورت انجام وظیفه توسط آن‌ها ارزشمند است. علاوه بر این، بیان فرآیند مادری، دشواری‌های آن را برای فرزندان که مادری تجربه زیسته آن‌ها نیست و نخواهد بود عینی می‌کند. عینی‌شدن دشواری‌ها به‌منزله محرکی برای ادای حق مادر لحاظ شده است.

بعد دوم نقش مادری که منشأ حق مادر است، برقراری رابطه عاطفی با فرزند است که این بعد نسبت به رابطه جسمانی از منظر شهید مطهری ارزشمندی بیشتری دارد. او برای نشان دادن عمق رابطه عاطفی میان مادر و فرزند از عالی‌ترین رابطه‌ای که انسان امکان برقراری



آن را دارد استفاده می‌کند و رابطه مادر و فرزند را به رابطه عبد و پروردگار تشبیه می‌کند. مادر در کنشگری در مقابل فرزند نهایت مهربانی را داشته همان‌گونه که پروردگار بنده را در غرق رحمت خود کرده است. شهید مطهری از فرزند در مقابل مادر همان رابطه‌ای را انتظار دارد که بنده در مقابل پروردگار دارد. دامان مادر برای کودک آن مقام را دارد که درگاه پروردگار برای بنده. در دعای ابوحمزه آمده است: «فوعزتک {فبعزتک} یا سیدی لو نهرتنی ما برحت من بایک و لاکففت عن تملقک. به عزتت قسم اگر مرا برانی، از درگاهت نخواهم رفت و از التماس به پیشگاهت دست نخواهم شست». فرزند همچنان که در کودکی نیازمند مهر مادری بوده و در دریای بی‌پایان مهر مادری غوطه‌ور شده است باید احترام بی‌پایانی نسبت به مادر داشته باشد چنانچه اگر مادر او را از خود براند، فرزند مادر را رها نکند و از احترام به مادر نگاهد (مطهری، ۱۳۸۲: ۴۹). شهید مطهری در جمع‌بندی بحث حقوق مادر به رساله حقوق امام سجاد اشاره می‌کند که در آن جزء به جزء فعالیت‌هایی که مادر برای پرورش جسمی و روحی فرزند انجام داده است شمرده می‌شود و با یادآوری آن به‌طور ضمنی از فرزند اعتراف گرفته می‌شود که قادر به ادای حق مادر نیست.

در سطح اجتماعی حق مادری در ارزشمندی آن در مقایسه با سایر نقش‌ها و به‌عبارت‌دیگر در منزلت مادری مورد توجه شهید مطهری قرار می‌گیرد. او در بیان منزلت مادری در ابتدا به موضوع حقیقی یا تشریفاتی بودن مقام مادر توجه می‌کند و با بیان حقیقی بودن منزلت مادری دلایل اثبات آن را ذکر می‌کند. در این موضوع نیز شهید مطهری از تشبیه فرزند به محصول کار مادر استفاده می‌کند. در ضمن این تمثیل شهید مطهری مادری را به‌عنوان یک شغل می‌پذیرد و کار مادر را با مشاغل موجود در جامعه مقایسه می‌کند. ثمره عینی کار مادر مانند سایر مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی عینی و قابل ارزیابی است بنابراین با آن‌ها قابل مقایسه است و می‌توان مادری را در سلسله‌مراتب مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی قرارداد. در این ارزیابی، محصول مادر که انسان است چندان ارزشمند دیده می‌شود به لحاظ ارزشی قابل مقایسه با محصول سایر فعالیت‌ها نیست. بنابراین جایگاه مادری از همه فعالیت‌های اجتماعی بالاتر است. تنها فعالیتی که می‌توان به لحاظ محصول، مادری را با آن مقایسه کرد فعالیت انبیا است که آن‌ها نیز تربیت انسان‌ها را بر عهده دارند. مادر از این جهت که نقش اول را در تربیت فرزند ایفا می‌کند به انبیا شباهت دارد و مأمور تکوینی خدا برای زمینه‌سازی کمال انسان است. مقایسه مادری با نبوت نشان‌دهنده غلبه نقش تربیتی مادر بر نقش او در پرورش جسمی فرزند است و شهید مطهری ارزشمندی مادری را ناشی از نقش تربیتی زن می‌داند.



«مادر شریف‌ترین کارها یعنی انسان‌سازی را انجام می‌دهد و بالاترین مقام را مادری دارد. فعالیت‌هایی که در جامعه انجام می‌شود یا از نوع فنی و مهارت است مثل نجاری و نقاشی و اتومبیل‌سازی و یا از نوع خدمات است مثل عطاری و بقالی و دفترداری و پشت‌میزنشینی که این قبیل کارها با دریافت پول ارزش‌گذاری می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۲: ۵۸).

پس از اثبات واقعی بودن ارزشمندی مادری، شهید مطهری برای نشان دادن میزان ارزش مادری از روایت «الجنة تحت اقدام الامهات» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸) و (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۶) استفاده می‌کند. با استفاده از مضمون بهشت بالاترین میزان منزلت به پایگاه مادری نسبت داده می‌شود. بهشت در جامعه دینی ارزشمندترین جایگاه برای یک فرد است و این روایت در قالبی تمثیلی جایگاه مادر را بالاتر از بالاترین جایگاه متصور برای انسان‌ها مشخص می‌کند. در نتیجه مادر در جامعه دینی باید بالاترین میزان احترام را دریافت کند و زمینه برای کنشگری مطلوب توسط او فراهم شود.

آخرین مقوله‌ای که در آثار شهید مطهری یافته شد، رضایت از مادری است. با مقدماتی که شهید مطهری در زمینه تعریف و آثار مادری فراهم کرده است نتیجه‌ای که به دست می‌آید رضایت زنان از مادری است. مادری انجام وظیفه‌ای تکوینی است و کنشی مقدس است که با انجام آن زنان هم استعدادهای خود را به ظهور می‌رسانند و هم بستر رشد فرزند را فراهم می‌کند. در طی فرآیند مادری از لذت‌های آن بهره‌مند می‌شوند و بالاترین میزان منزلت که جایگاهی بالاتر از بهشت است کسب می‌کنند. از آنجاکه مادری با فطرت زنان مطابق است در صورتی که با واقعیت مادری آشنا شوند و آگاهانه مادری را بپذیرند و آن را مطابق با اهداف نظام خلقت معنا کنند از انجام وظیفه خود راضی خواهند بود. آنچه موجب عدم گرایش به مادری است تصورات غلط و ناآگاهی به جایگاه و پیامدهای مادری است. هدف شهید مطهری از پرداختن به موضوع مادری از بین بردن تصورات غلط بوده است که زمینه رضایتمندی زنان از مادری را فراهم کند.

«برای اینکه وظیفه مادری صرفاً تکلیف و امر شاق و تحمیلی جلوه نکند و مقام مادری نظیر «افتخار بان‌نشستگی» یک جمله تشریفاتی توخالی تلقی نشود، باید اول مقام مادری را از لحاظ ارزش معرفی کرد و سپس لذت مادری را بیان کرد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۵۸).

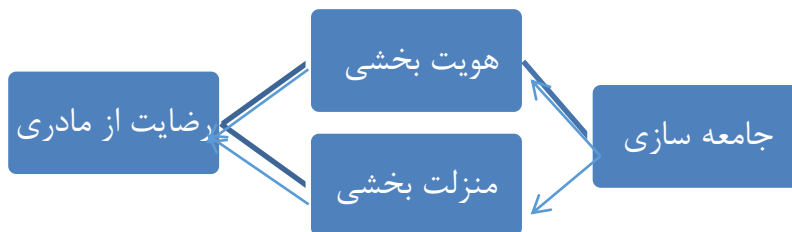
۷. جمع‌بندی

مادری از منظر شهید مطهری، فعالیتی جامعه‌ساز تعریف می‌شود و مادر زمینه‌ساز تشکیل جامعه‌ای متعالی است. مادری علاوه بر کارکرد اجتماعی پیامدهایی در سطح فردی برای زنان به دنبال دارد و موجب بروز استعدادها و رشد شخصیتی آنها می‌شود. کارکردهای



اجتماعی مادری و اثرگذار بودن فعالیت مادر در تربیت فرزند بر سرنوشت جامعه به زن هویتی ارزشمند می‌دهد. مادر به‌عنوان مربی و در مقام جامعه‌سازی احساس از خودبیگانگی و انفعال نخواهد داشت زیرا کوچک‌ترین فعالیت شخصی او در زمان پرورش کودک فعالیتی در راستای رشد اجتماعی فرزند و به‌تبع آن تعالی جامعه معنا می‌شود. اهمیت نقش مادری سبب نمی‌شود صرفاً با تعیین آن به‌عنوان وظیفه اختصاصی زنان، یا با تأکید بر پیامد تکامل بخشی، زنان را به پذیرفتن آن تشویق کنیم. اسلام در سطح جامعه منزلت اجتماعی متناسب با ارزشمندی فعالیتی را که مادر انجام می‌دهد در نظر گرفته است که در دو بعد مقام مادر و حقوق مادر جای می‌گیرد. پیامدهایی که مادری برای زنان دارد نشان‌دهنده فطری بودن مادری است. همچنین زمینه ایفای مادری که مهر خالصانه و بی‌مانند است به‌صورت تکوینی در وجود آن‌ها قرار گرفته است. زنان به لحاظ درونی به مادری گرایش دارند و از ایفای آن احساس رضایت می‌کنند. از جمع‌بندی مضامین مرتبط با تعریف، پیامد فردی، پیامد اجتماعی و ارزیابی نقش که در متون نگاشته شده توسط شهید مطهری موجود است، چهار مفهوم کلان به دست می‌آید که عبارت‌اند از جامعه‌سازی، هویت‌بخشی، منزلت‌بخشی و رضایت از مادری و در قالب مدل زیر خلاصه شده است.

نمودار شماره ۳



۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

پیش از پژوهش حاضر مادری از منظر شهید مطهری مورد بررسی قرار نگرفته است علت این موضوع نخست در ماهیت حوزه مطالعات زنان است که در آن غلبه با نظریه‌های فمینیستی است و مراجعه به متون دینی و متفکران مسلمان کمتر صورت گرفته است. دومین علت شهرت دو کتاب نظام حقوق زن در اسلام و مسئله حجاب است که شهید مطهری در آن‌ها



به زبانی شیوا نظرات خود در موضوع زنان را بیان کرده است و گرچه در مقدمه کتاب نظام حقوق زن در اسلام بیان کرده است یادداشت‌هایی برای تدوین کتابی با موضوع مادری جمع‌آوری کرده است این یادداشت‌ها چندان مورد توجه قرار گرفته است تا به مباحث شهید مطهری پیرامون مادری پرداخته شود. سومین علت فقر تولید محتوا در زمینه مادری است، گرچه مادری سال‌ها موضوع چالش‌برانگیز نظریه‌پردازی فمینیستی بوده است در جامعه ما، مادری نقشی بدیهی برای زنان تصور می‌شود که نیازی به بررسی و تولید محتوا ندارد. از این رو پژوهش در موضوع مادری بسیار اندک است. با توجه به آنچه ذکر شد یافته‌های پژوهش‌هایی که با موضوع پژوهش حاضر مشابهت دارد جهت بحث و مقایسه مورد استفاده قرار گرفت.

سپهری در پژوهش خود پیرامون هویت اجتماعی زن از منظر شهید مطهری مانند آنچه در پژوهش حاضر یافته‌شد نظام تکوین و طبیعت زن را مبنای تخصیص نقش‌ها به زنان توسط شهید مطهری می‌داند، نگاه شهید مطهری را نگاهی جامع می‌داند که به مبانی فقهی، فلسفی و اجتماعی توجه داشته و توانسته است با تبیین نظام حقوقی زن در اسلام و پاسخ به تفاوت‌های زن و مرد به شبهات زنی که امروز در دنیای مدرن زندگی می‌کند پاسخ گوید. سپهری در پژوهش خود ایفای نقش اجتماعی را حضور در صحنه اجتماع تعریف کرده است و به اثبات جواز حضور اجتماعی از منظر شهید مطهری می‌پردازد و تأکید شهید مطهری بر نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و تبیین مسئله حجاب را شاهد این موضوع می‌داند. تکیه سپهری بر دو کتاب نظام حقوق زن در اسلام و مسئله حجاب است که پاسخ‌های شهید مطهری در مسئله هستی‌شناسی زن و عادلانه بودن نظام حقوقی اسلام را دربردارد و وجه کارکردی تفاوت‌ها و نقش اختصاصی زن در این دو کتاب بیان نمی‌شود بنابراین جنبه اجتماعی مادری، جایگاه تربیتی زن و مفهوم عاطفه اجتماعی از دید سپهری پنهان می‌ماند. بستان در پژوهش خود با تکیه بر نظریه شهید مطهری بی‌ثباتی خانواده را تبیین می‌کند، شهید مطهری را دارای نظریه‌ای متفاوت با نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود پیرامون خانواده می‌داند که نمونه‌ای از نظریه‌پردازی بومی است، علت این تفاوت ابتدای نظریه شهید مطهری بر فطرت است آن‌گونه که در پژوهش حاضر نیز به آن اشاره شد. بستان که علاوه بر نظام حقوق زن در اسلام و مسئله حجاب به مجموعه یادداشت‌ها به‌عنوان منبع استناد کرده است، به نقش‌های اختصاصی زن یعنی مادری و همسری پرداخته است. با توجه به اینکه متغیر مورد بررسی بستان ثبات خانوادگی است عوامل اقتصادی و مدیریتی را در اختصاص نقش‌ها به زنان مؤثر می‌داند و به وجوه کارکردی نقش‌های زنان توجه نمی‌کند. بستان نیز در مقایسه آرای نظریه‌پردازان فمینیست با شهید مطهری به مفاهیم بردگی زنان



و فقدان رشد در زندگی خانوادگی در مقابل بستر رشد بودن محیط خانواده دست پیدا کرده است.

رسولی پور و مهدوی که رویکرد دوبوووار به ازدواج و مادری را با امام خمینی (ره) مقایسه کرده‌اند همان‌گونه که در این پژوهش به آن اشاره شد مضمون اصلی نظریه دوبوووار را تحقیر مادری می‌دانند. آن‌ها نیز تفاوت اصلی رویکرد اسلام و فمینیسم را فطرت‌گرایی اسلام و ابتدای آن بر قوانین فطری و نادیده گرفتن طبیعت و فطرت توسط فمینیسم می‌دانند نقص عمده نظریه دوبوووار از منظر آن‌ها نیز ماده‌گرایی و نادیده گرفتن حقیقت انسان است.

۲-۵- نتیجه‌گیری

مقایسه مادری از منظر شهید مطهری و نظریه‌پردازان فمینیست به‌ویژه دوبوووار گویای تفاوت‌های اساسی میان دو رویکرد است. در نگاه فمینیستی مادری در سطح یک فعالیت حیوانی تعریف می‌شود و در مورد زنانی که دارای فرزندان متعدد هستند تعبیر ماشین جوجه‌کشی به‌کاربرده می‌شود. هدف در استفاده از این تعبیر تقدس‌زدایی از مادری است که عامل مهمی در جذب زنان به پایگاه مادری است. شهید مطهری در مقابل این نگاه، به اثبات تقدس مادری می‌پردازد و استدلال می‌کند گرچه مادری در بستر جسمانی تحقق می‌یابد اما از آنجاکه عمل به وظیفه‌ای است که نظام خلقت که نظام احسن است برای زن در نظر گرفته مقدس محسوب می‌شود. از سوی دیگر مادر در جسم خود اشرف مخلوقات را پرورش می‌دهد و کرامت انسان به این فعالیت طبیعی مادر تقدس می‌دهد.

در رویکرد فمینیستی تقدس مادری ابزاری برای پوشاندن واقعیت مادری معنا می‌شود واقعیت مادری نقشی انفعالی است که باعث می‌شود زن به محیط خانه محدود شود. این محدودیت او را از فعالیت اجتماعی بازمی‌دارد و مانع بروز توانمندی‌های زن می‌شود. شهید مطهری برخلاف این نظر، مادری را اصلی‌ترین موقعیتی می‌داند که زن در آن به نقش‌آفرینی اجتماعی می‌پردازد. گرچه محیط ظاهری فعالیت زن درون خانه است دامنه اثر او جامعه و کل تاریخ است. مسیری که جامعه در جهت پیشرفت یا پس رفت و انحطاط پیش می‌گیرد توسط مادران زمینه‌سازی می‌شود. شهید مطهری با تعریف مادری به جامعه‌سازی و مطرح کردن مفهوم عاطفه اجتماعی، مادری را از نقشی فردی و منفعلانه که دامنه اثرگذاری آن محدود به فضای خانه و روابط شخصی است به نقشی فعالانه که عامل انسجام اجتماعی است، تبدیل می‌کند. مادری علاوه بر کارکرد اجتماعی غیرمستقیمی که با تربیت نیروی انسانی موردنیاز جامعه داراست با ایجاد عاطفه اجتماعی کارکرد مستقیم را برای جامعه



انجام می‌دهد و سبب می‌شود افراد به جامعه خود احساس تعلق داشته باشند. به عبارت دیگر مادر در همان لحظه‌ای که درون خانه مشغول محبت کردن به فرزند است انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. در این رویکرد مهرورزی و عاطفی بودن زنان نه تنها نقص محسوب نمی‌شود بلکه عنصر مقوم اجتماع به شمار می‌رود.

در رویکرد فمینیستی مادری به وجه مراقبتی تقلیل می‌یابد و وجه تربیتی آن مورد غفلت واقع می‌شود. زن در نقش مادری به مراقبت از کودک که فعالیتی یکنواخت است و نیاز به استعداد و توانمندی ندارد می‌پردازد. در طی دوران مادری قابلیت‌های خود را مسکوت و بلااستفاده می‌گذارد و فرزند را که دیگری او است بزرگ می‌کند. دوبروار مادری را فعالیتی می‌داند که مانع تحقق هویت زن است زیرا زن با فعالیت اقتصادی و اجتماعی کسب هویت می‌کند و مادری او را از پرداختن به فعالیت اجتماعی بازمی‌دارد. زنی که ایفای نقش مادری را پذیرفته است با از دست دادن فرصت بروز توانمندی‌های فردی و رشد اجتماعی خود را قربانی نوع کرده است. درحالی‌که در نگاه شهید مطهری وجه تربیتی مادری بر وجه مراقبتی غلبه دارد. فرزند در این نگاه توأم مادر محسوب می‌شود که مادر در وجود او ویژگی‌های خود را بازمی‌یابد. مادری به‌مثابه فعالیتی آگاهانه است که زن استعدادها و توانمندی‌های خود را در آن به کار می‌گیرد و فرزند محصول کار او محسوب می‌شود. مادر مانند هر تولیدکننده‌ای که محصول ارزشمندی دارد از ایفای نقش خود احساس رضایتمندی و کسب هویت می‌کند.

تفاوت اساسی رویکرد فمینیستی با شهید مطهری در موضوع مادری ناشی از تعلق فمینیسم به گفتمان ماتریالیستی است که در این گفتمان وجود زن و نیازهای او به جسم محدود شده است. خود فرد محوریت دارد و آنچه جنبه مادی دارد و متعلق به خود او است دستاورد تلقی می‌شود؛ بنابراین موفقیت فرد قابل تجلی یافتن در وجود دیگری نیست و پیشرفت فرزند و خدمت به جامعه برای مادر دستاورد محسوب نمی‌شود. رنج و سختی که مادر تحمل می‌کند بدون ما به ازای مادی برای او است علاوه بر این عامل محرومیت او به شمار می‌آید. همچنین در این گفتمان لذتی که منشاء جسمانی نداشته باشد واقعیت ندارد بنابراین احساس رضایت و لذت از مادری قابل تصور نیست. در این رویکرد از احساس رضایت مادر به آگاهی کاذب و فریب تعبیر می‌شود و زنی که مادری را انتخاب کرده باشد تحت اجبار یا فریب نظام مردسالاری قرار گرفته است. آگاه شدن زنان از قربانی شدن در نظام مردسالاری نارضایتی از نقش و عدم گرایش به مادری را در آن‌ها به دنبال دارد. در مقابل در رویکرد دینی و ارزش‌گرای شهید مطهری تلاش برای رشد دیگری و از خودگذشتگی در این مسیر ارزشمند است. موفقیت فرزند به‌منزله دستاورد مادر محسوب می‌شود و فداکاری او بالاترین



میزان ارزش را دریافت می‌کند. فداکاری زن بدون پاسخ نیست و جامعه در مقابل خدمتی که او برای پیشرفت نوع انجام داده است مسئولیت جبران را دارد. در مهم‌ترین کتاب قانون دینی یعنی قرآن و بیان مفسران آن یعنی اهل بیت جزییات زحمات مادر و مسئولیت فرزند در مقابل او مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین حقوق و مقامی که برای مادر در نظر گرفته شده است حقیقی است و جنبه تشریفاتی ندارد. در چارچوب رویکرد شهید مطهری علاوه بر لذت‌های جسمانی، لذت روحی که منشأ جسمانی ندارد قابل پذیرش است از این رو مادری فعالیتی دارای لذت تصور می‌شود. لذت زن از مادری از عوامل گرایش به مادری و نشانه رضایت از قرار گرفتن در این پایگاه است. رضایت از مادری متأثر از فریب و ناآگاهی نیست بلکه در اثر پاسخ به نیازی فطری ایجاد می‌شود.

دوبووار نماینده رویکرد فمینیستی نفی مادری برای زنان است و رویکرد شهید مطهری اثبات مادری است که زنان را به پذیرفتن این نقش تشویق می‌کند، این دو رویکرد دچار تضاد هستند و نقطه اشتراک و وجهه شباهتی میان آن‌ها وجود ندارد. تفاوت‌های میان رویکرد شهید مطهری و دوبووار را می‌توان در مقوله‌هایی که در جدول زیر آمده است، خلاصه کرد و تصویری کلی از آن به دست آورد.

جدول شماره ۳- مقایسه رویکرد دوبووار و شهید مطهری

مقوله	سیمون دوبووار	شهید مطهری
تعریف مادری	قربانی شدن	وظیفه تکوینی مقدس
نوع فعالیت مادری	حیوانی، منفعلانه، مانع بروز خود	جامعه‌ساز، فعالانه، بستر رشد و تکامل
ماهیت مادری	مراقبتی، ناخودآگاه	تربیتی، آگاهانه
تعریف فرزند	دیگری مادر	تداوم مادر، محصول کار مادر
پیامد فردی مادری	محدودیت، رنج و سختی	موفقیت فرزند، رشد شخصیتی، لذت
پیامد اجتماعی مادری	فردستی جنسیتی	حقوق مادر، مقام مادری
ارزیابی از نقش	نارضایتی	رضایت
تمایل به مادری	آگاهی کاذب	پاسخگویی به فطرت

در مجموع می‌توان گفت شهید مطهری مسئله فمینیسم را به درستی درک کرده است و در یک نظام منطقی و استدلالی به پاسخگویی به کلیه عناصری که در نظریه نفی مادری وجود دارد



پرداخته است. او در کنار تحول معنایی که در مادری ایجاد کرده است بایان آثار فردی و اجتماعی و یادآوری تکامل بخشی دوجانبه مادری، جایگاه هویت بخشی آن را ارتقا داده است. در بعد اجتماعی نیز نشان دادن جایگاه منزلتی مادری تقویت کننده بعد هویتی مادری است و مکمل آن محسوب می شود. شهید مطهری با رویکردی همه جانبه و توجه به بعد هویتی، منزلتی و حقوقی مادری تصویری متعالی و متفاوت با آنچه دوبرووار از مادری نمایش می دهد، ارائه می کند.

۳-۵- پیشنهادها

پیشنهاد پژوهشی

در عرصه علمی مطالعات زنان و خانواده که نظریه های فمینیستی حضوری بلامنازع دارند مباحث شهید مطهری در برخی موارد پاسخگوی گزاره هایی است که نظریه پردازان فمینیست ارائه کرده اند و در مواردی نیز دارای گزاره هایی است که درزمینه نظریه پردازی ایده بخش است و مبنایی برای تولید نظریه بومی فراهم کرده است. عاطفه اجتماعی که از کارکردهای مادری و نشانه گستره اثرگذاری آن است ازجمله مفاهیم ایده بخش برای نظریه پردازی درزمینه مادری است. بعد اجتماعی مادری که در قالب مضمون جامعه ساز بودن زن مطرح شد زمینه دیگری برای نظریه پردازی است. همچنین گزاره هایی که در این پژوهش به دست آمد زمینه طراحی پژوهش هایی میدانی را فراهم می کند که معنای ذهنی و تجربه زیسته زنان از مادری را بررسی کند ازجمله اینکه آیا از منظر زنان لذت مادری بر سختی های آن غلبه دارد؟ آیا زنان پس از مادر شدن تحولاتی را که شهید مطهری مطرح می کند تجربه کرده اند؟

پیشنهاد کاربردی

در حوزه سیاست گذاری درزمینه زنان و خانواده با توجه به اینکه سیاست های بین المللی مبتنی بر نظریه های فمینیستی در جامعه ایرانی اسلامی قابل اجرا نیست نیاز به مبانی نظری بومی داریم که مطابق با فطرت انسان و برگرفته از متون دینی باشد. در این زمینه آنچه در این پژوهش یافته شد و حاکی از نگاه متعالی شهید مطهری به پایگاه مادری است مبنایی مناسب برای سیاست گذاری است که از سویی منفعت زنان حفظ شود و از سوی دیگر مصالح جامعه رعایت شود و کارکردهای موردنظر آن محقق شود. به همین اساس درزمینه فرهنگی سوق یافتن سیاست ها به سمت بازنمایی ارزش و منزلت مادری رغبت زنان را به ایفای نقش مادری افزایش می دهد و درزمینه سیاست های حمایتی ایده شغل، تلقی شدن مادری که توسط شهید مطهری مطرح شد، محوری برای ساختار سازی و برنامه ریزی در حمایت از مادران است.



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

۱. ادیبی، مهسا و همکاران (۱۳۹۷). «بازنمایی غرب در گفتمان سیاسی مرتضی مطهری بر اساس رویکرد پسا استعماری»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۷.
۲. بستان، حسین. (۱۳۸۸). «تبیین بی‌ثباتی خانواده با تکیه بر نظریه شهید مطهری»، فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، سال ۱، شماره ۱.
۳. بوذری نژاد، یحیی. جهان‌شاهی، مینا. (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای نقش زنان در پایگاه مادری در اندیشه علامه طباطبایی و امینه ودود»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال نهم شماره اول.
۴. پهلوان، منصور. (۱۳۸۲). «ویژگی‌های آثار استاد شهید مرتضی مطهری»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۸۲.
۵. رسولی پور، رسول. مهدوی، ناهید. (۱۳۹۲). «نقد دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار درباره ازدواج و مادری با رویکرد به اندیشه‌های امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین دوره ۱۵، شماره ۵۹ تابستان ۱۳۹۲.
۶. ساداتی نژاد، سید مهدی. (۱۳۹۲). «واکاوی فضای سیاسی اجتماعی ایران در دوران زندگی استاد شهید مرتضی مطهری»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
۷. سپهری، سپیده. (۱۳۹۳). «هویت اجتماعی زن از دیدگاه شهید مطهری»، فصلنامه زن و فرهنگ، شماره ۲۰.
۸. سفیری، خدیجه. زارع، زهرا. (۱۳۸۶). «بررسی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های زناشویی در زوج‌های جوان»، پژوهشنامه علوم انسانی شماره ۵۳.
۹. صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۴). «چالش فمینیسم با مادری»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸.
۱۰. صالحی عمران، ابراهیم. عابدینی بلترک، میمنت. منصور، سیروس. (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های میراث فرهنگی»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره هفتم، شماره ۱، تابستان ۹۷.
۱۱. علی‌آبادی، علی. (۱۳۸۲). «مسئولیت‌پذیری عنصر بنیادین در حیات علمی استاد مطهری»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۸۲.



۱۲. قرا ملکی، احمد فرامرز. (۱۳۸۲). «مهارت‌های روش‌شناختی استاد مطهری در دین‌پژوهی»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۸۲.
۱۳. مؤمنی راد، اکبر و همکاران. (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱۴، سال چهارم.
۱۴. یزد خواستی، بهجت. (۱۳۸۴). «مروری بر افکار سیمون دوبووار»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸.
۱۵. میر خانی، عزت‌السادات. (۱۳۹۷). «احیای تفکر دینی، مطالبات زن مسلمان و خیزش دو تفکر «فمینیسم اسلامی» و «اجتهاد اصولگرا»»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۸۰.

کتاب‌ها

۱. قرآن کریم
۲. ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۸۲). تحف العقول تر: صادق حسن‌زاده، قم، آل علی (ع).
۳. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی. (۱۳۸۶). بحارالانوار، ج ۱۰۳، قم، اسلامیه.
۴. برناردز، جان. (۱۳۹۰). درآمدی بر مطالعات خانواده، تر: حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
۵. تانگ، رز مری. (۱۳۸۷). درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، تر: منیژه نجم عراقی، تهران، نی.
۶. ترنر، جانانان. (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، تر: محمد عزیز بختیاری، محمد فولادی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۷. جمشیدی، مهدی. (۱۳۹۲). نظریه فرهنگی استاد مطهری، تهران پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. شرفی، حسین. (۱۳۷۸). پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۷ و ۱۸ ویژه‌نامه استاد شهید مطهری.
۹. فلیک، اووه. (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، تر: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۱۰. کلینی محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). اصول کافی جلد ۶، قم، اسوه.
۱۱. گیلدر، جرج. هانتز، برندا و دیگران. (۱۳۸۹). چه کسی را گهواره را تکان خواهد داد؟ تر: سمانه مدنی و آزاده وجدانی، قم، نشر معارف.
۱۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). یادداشت‌ها جلد ۵، تهران، صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). یادداشت‌ها جلد ۷، تهران، صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). انسان کامل، تهران، صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۵). مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.
۱۷. محمد بن حسن حر عاملی. (۱۳۹۱). وسایل الشیعه، جلد ۲۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۸. وبر ماکس (۱۳۸۴) اقتصاد و جامعه، تر: عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد، مصطفی عماد زاده، تهران، سمت.



Articles

1. Pernau, Margit. (2003). "family and gender, sage", new Dehli. parenthood, journal of marriage and family vol30.No.1(feb1968).
2. Swift, Karen J. (2015). "Motherhood", International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, Volume 15.
3. Chodorow, Nancy. (1981). "On the Reproduction of Mothering: A Methodological Debate", Chicago journals, Vol. 6, No. 3 (Spring, 1981), pp. 482-514, The University of Chicago Press.

Books

1. Mead George H(1972). Mind self and society, Chicago, The university of Chicago press.
2. Bell, Susan E. (2004). Intensive Performances of Mothering: a Sociological Perspective, "Qualitative Research", vol. 4(1): 45-75. Bowdoin College, Brunswick, ME, USA.

